



فہرست
(جلد اول)
رہی

علیرضا اعرافی

فهرست

- ۱- مبحث مدیریت دانش تربیت اسلامی ۴
- تطورات حوزه ۴
- ۲- مبحث تربیت اسلامی ۵
- ۱- تعریف تربیت : ۵
- تعریف لغوی ۵
- تعریف اصطلاحی ۵
- جزء لایتجزا تعریف: ۶
- تعریف فلسفی تربیت ۶
- تطبیق عناصر حرکت فلسفی بر تربیت ۶
- و: تعریف تربیت ۷
- ز: تقسیمات تربیت ۷
- مصادیقی از ملاک‌های طبقه‌بندی تربیت ۷
- ح: نظام تربیتی ۸
۱. مبانی ۸
۲. اهداف ۸
- فواید هدف در تربیت: ۸
- منابع شناسایی هدف ۸
- اقسام هدف تربیتی ۸
۳. اصول ۸
۴. روش‌ها ۹
- ط: علوم تربیتی: ۹
- ی: تربیت و مفاهیم مشابه ۱۰
۱. تعلیم ۱۰
۲. نسبت تعلیم و تربیت ۱۰
۳. تبلیغ ۱۰
۴. نسبت تبلیغ و تربیت ۱۱
۵. تادیب ۱۱
۶. نسبت تادیب و تربیت ۱۱

۷. اخلاق..... ۱۱
۸. نسبت اخلاق و تربیت..... ۱۲
- ک. نظام‌سازی تربیتی..... ۱۳

۱- مبحث مدیریت دانش تربیت اسلامی

تطورات حوزه

۱. بسط معرفتی: پیشینه حوزه
۲. قبض معرفتی: سده های معاصر
۳. بسط مجدد: مراحل بسط
- ا. طرح جدید فلسفه
- ب. طرح اندیشه ها و مکاتب غربی
- ج. مسائل جدید کلامی و نگاه تخصصی تر به علوم اسلامی
- د. علوم انسانی به طور کاملا تخصصی مورد بحث و تاقعه می شود.
۴. مراحل تحول حوزه قم در دوره بسط مجدد:
 - ا. پایه گذاری: حائری
 - ب. تثبیت: بروجردی
 - ج. گسترش: حضرت امام و مراجع
 - د. شکوفایی: دوره اخیر
۵. مراحل رویارویی حوزه با مبحث تربیت:
 - ا. صورت بندی جدید بدون کار آکادمیک: آثار آقای امینی بازخوانی اندیشه های موجود در میراث گذشته و

معارف اسلامی

- ب. آکادمیک ترو منسجم تر: بعد از انقلاب با شکل گیری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و موسسه امام
- ج. تقویت رویکرد آکادمیک و سامان دانش های سه گانه مبتنی بر پایه های معرفتی و فکری
۶. دو رویکرد برای تولید دانش تربیت اسلامی وجود دارد و می تواند منبع برای تولید قرار بگیرد:
 - ا. رویکرد تفصیلی
 - ب. رویکرد تجربی: چارچوب فکری اسلامی به تجربه می آید و به محک و چالش تجربه کردن روبرو می شود.

۷. رویکرد تفصیلی به معنای طرح پرسش‌های نوین پیش‌روی منابع اسلامی است. با توجه به اینکه ما در منابع اسلامی درباره سه حوزه: ارزش(اخلاق)، رفتار(فقه)، عقاید(کلام) مباحث منسجم و مطرح می‌گردد، برای همین در این رویکرد نسبت به امر تربیت ما سه بن و پایه نظام تربیتی داریم که نقش مبانی نظام تربیتی اسلام را بازی می‌کنند:

ا. فلسفه تربیتی و یا کلام خاص تربیت: شامل هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی تربیتی

ب. فقه تربیتی

ج. اخلاق تربیتی

موارد ذیل همه جز لوازم و نتایج مبانی فوق در دانش تربیت اسلامی محسوب می‌شوند:

د. روش‌شناسی تربیتی: نگاه معرفت‌شناختی به علم تربیت: فلسفه علم تربیت

ه. نظام تربیت اسلامی: سه حوزه نخست را با هم پیوند می‌دهد و به نظریات کلان می‌رسد و در ادامه آن نظام‌های خاص تربیت اسلامی در ساحت‌های مختلف است.

و. تفسیر تربیتی: آداب الصلاه امام

ز. سیره اهل بیت

ح. تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی

۲- مبحث تربیت اسلامی

۱- تعریف تربیت:

- تعریف لغوی

پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن، ریشه رب(حضانت، اصلاح، تدبیر، رسیدگی کردن، و...) ربو(ناشر به پرورش جسمی و مادی است)

- تعریف اصطلاحی:

تعریف ارزشی یا هنجاری: تعریف‌هایی که بر یک مکتب یا نظام فکری مبتنی هستند و مبتنی بر ارزش‌ها تعریف می‌شوند

تعریف تحلیلی و توصیفی: تحلیل و تبیین فرایند تربیت به نحو بیطرفانه، تعریفی در حدود عناصر کلیدی اصلی. برای وصول به تعریف تحلیلی تربیت، یا عناصر مشترک تعاریف تحلیلی را با مقایسه میان آنها اخذ کنیم؛ یا با شناسایی عنصر اصلی تربیت و جنس قرار دادن آن و یافتن فصول تعریف با تحلیل‌های بعدی این کار را انجام دهیم.

- جزء لایتجزا تعریف:

در بررسی موارد استعمال این واژه نوعی تغییر و تحول یا متغیر ساختن و متحول کردن منظور شده است. بنابراین تغییر و تحول تدریجی در گستره زمان جزء لایتجزا مفهوم تربیت است.

- تعریف فلسفی تربیت

تغییر و تحول تدریجی در گستره زمان که عنصر عام مفهوم تربیت است در فلسفه همان حرکت است. حرکت خروج از قوه به فعل است که مستلزم نوعی تغییر و تحول درشی است پس تربیت شامل مفهوم حرکت است. پس تربیت نوعی تحریک است.

- تطبیق عناصر حرکت فلسفی بر تربیت:

- ۱) مبدا حرکت: استعداد بالقوه متربی، کار مربی شناخت دقیق و تحریک از نقطه صحیح و مطابق با واقع
- ۲) مقصد حرکت: بعد سلبی: اصلاح رفتار و صفات، بعد ایجابی: شکوفایی استعدادها و فعلیت آن
- ۳) مقدار حرکت: مقدار تغییراتی که در وجود متربی محقق می‌شود.
- ۴) موضوع حرکت: موضوع تربیت محدود به موجود تحت تربیت (انسان) است.
- ۵) فاعل حرکت: به وجود آورنده تغییرات و تحول تدریجی (مربی) عامل حقیقی، واسطی، طبیعی. در تربیت باید به دست شخص دیگری انجام شود و گرنه تهذیب مقابل این مفهوم و بدست خود شخص است.
- ۶) مسافت (بستر) حرکت: حرکت در هفت مقوله (جوهر، کم، کیف، این، وضع، ان یفعل و ان ینفعل) اما در تربیت صرفاً در موارد ذیل است:
 ۱. جوهر: فرایند تربیت تغییر و حرکت در ذات و شخصیت متربی است کلیت شخصیت او تحول می‌یابد و بقیه تغییرات به این مقوله بازمی‌گردد.
 ۲. کیف و کم: تنها در کیف نفسانی است که تربیت صورت می‌پذیرد. هر کس کیف نفسانی را با علم حضوری نزد خود می‌یابد.

۱) تعلیم: تغییر در صفت علم منجر به تعلیم می‌شود. یعنی با فرایند تربیت، در ذات متربی تغییر علمی حاصل شود، تعلیم است.

۲) تخلق: تغییر در صفات نفسانی دیگر مثل ترس، شجاعت و...

۳) تربیت بدنی: تغییر در (کیف مختص به کم) جسم در مقدارش پیوسته منظم و تدریجی

۳. فعل و انفعال: رفتارهای تربیتی موضوع این‌هاست. تنظیم و تغییر رفتارها تربیت نامیده می‌شود. این تغییر حرکت در رفتار یا حذف، یا تغییر جهت یا ایجاد رفتار جدید است.

و: تعریف تربیت

فرایند کمک و یاری‌رسانی (ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های موثر) به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی هماهنگ و همه‌جانبه، آزادانه و آگاهانه به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست.

ز: تقسیمات تربیت

تربیت می‌تواند اطلاقات متفاوتی داشته باشد:

۱) تغییر در تمام ساحات وجودی نبات، حیوان و انسان، در برابر مفهوم صنعت.

۲) تغییر در ساحات وجودی انسان و حیوان. در برابر مفهوم پرورش گیاه

۳) تغییر در انسان به دست خود یا دیگری: اعم از مفهوم تهذیب

۴) تغییر در تمام ساحات جسمی و روانی انسان دیگر: در مقابل مفهوم اخلاق

۵) تغییر در ساحت ذهنی و صفات و رفتار انسان دیگر: در برابر مفهوم تربیت بدنی

۶) تغییر در ساحت صفات و رفتار انسان دیگر: در برابر مفهوم تعلیم. که در این بحث صرفاً سه اطلاق پایانی مدنظر است.

مصادیقی از ملاک‌های طبقه‌بندی تربیت

۱) استشعار و عدم استشعار: تاثیرگذاری یا تاثیرپذیری آگاهانه یا ناآگاهانه

۲) کنترل شرایط: رسمی و غیر رسمی: برنامه ریزی و کنترل شده

۳) وساطت در تغییر: مستقیم و غیر مستقیم: تغییر بدون واسطه یا با واسطه

۴) نحوه تاثیر گذاری: ایجاد، اصلاحی، بازدارنده

ح: نظام تربیتی

۱. مبانی: بنیان، اساس و بنیاد. بحث در باره امکانات، محدودیت‌ها و ضرورت‌هایی که حیاتش همیشه تحت تاثیر آن‌هاست. شامل قضایای حاوی «است». شامل سه دسته:

مبانی علمی: گزاره ناظر به ویژگی‌های زیستی، اجتماعی و روانی انسان

مبانی فلسفی: از ملاحظات اخلاقی و فلسفی طبیعت آدمی اهداف و غایات استخراج می‌شوند.

مبانی دینی: گزاره‌های مستخرج از منابع و متون دینی

۲. اهداف: قصد و غایت عینی و خارجی (هدف) یا ذهنی و وجدانی (شوق و انگیزه). هر فعالیت آگاهانه‌ای هدفمند است.

فوائد هدف در تربیت:

- شناخت روش‌ها و ابزار مناسب برای رفع موانع
- هماهنگی بین فعالیت‌ها
- ایجاد انگیزه و تحرک برای وصول به هدف
- شاخص برای سنجش میزان موفقیت فعالیت تربیتی

منابع شناسایی هدف: منابعی که معین کننده نیازهای اصلی انسان‌اند.

- علمی
- فلسفی
- دینی

اقسام هدف تربیتی:

- مقسم حیطه‌های تربیتی: اهداف شناختی، عاطفی، رفتاری (روانی-حرکتی)
- اهداف غایی، متوسط و جزئی

۳. اصول: بیخ، پایه و بن هر چیزی. اصول تربیتی یعنی قواعد کلی تربیتی که از مقایسه و ملاحظه مبانی و اهداف حاصل می‌شود. قضایای شامل «باید». این اصول کلی؛ غیر روشی؛ معین کننده نوع، کمیت یا کیفیت روش‌هایند.

این اصول از سنخ اوصاف افعال‌اند. برخی اصول:

اصول عامه ناظر به روش‌ها

اصول خاصه ناظر به روش‌های خاص

اصول تربیتی: یا اصول غیردینی هستند یا دینی مصرح و غیر مصرح.

حکمت تربیتی: اصول دینی غیرمصرحی، که به حد ظهور و تنقیح مناظ نرسند.

۴. روش‌ها: طریقه، قاعده و قانون. رفتارها و فعالیت‌هایی که مربی برای هدفی خاص، برای تاثیرگذاری بر فرد

دیگر انجام دهد. دو ویژگی اطلاق به یک امر به عنوان روش:

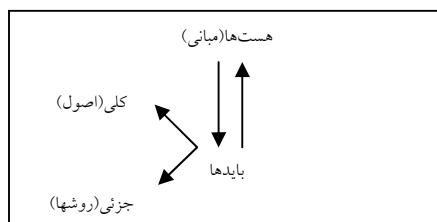
- در مقام تربیت از فاعل صادر شود.

- در فضای تربیت (شخصیت‌مربی) موثر باشد.

۱. عنوان یک رفتار اگر مانند نوع باشد: «روش» و اگر مانند «جنس» باشد: اصل است. اصول به مبانی تکیه دارند،

روش‌ها مبتنی بر اصول هستند، البته اصول و روش‌ها از یک سنخند چون دستورالعمل‌اند، اما تفاوت در کلی

و جزئی بودن آن است.



ط: علوم تربیتی:

۱. تعریف: اگر ملاک هویت و استقلال علم را وحدت موضوع یا هدف یا سنخیت بدانیم، علوم تربیتی علمی

مستقل است. مجموعه معارفی که به پژوهش و اندیشیدن در امور مربوط به عملکرد یا فرایند تربیت

می‌پردازد.

۲. موضوع: انسان موضوع تعلیم و تربیت است. پس موضوع علوم تربیتی فرایند تعلیم و تربیت یا آموزش و

پرورش.

۳. روش تحقیق: روش تجربی، نقلی و تاریخی، تعقلی و فلسفی.

۴. هدف و فایده: تهیه انواع متعدد الگوها، ارتقای سطح فکری و عملی مربیان و کمک به امر تربیت.

۵. تفاوت تربیت و علوم تربیتی: تربیت به فرایند تغییر مورد نظر می‌پردازد، علوم تربیتی به تحقیق در این‌باره

برای پشتیبانی نظری.

ی: تربیت و مفاهیم مشابه:

تعلیم، تبلیغ، تأدیب، اخلاق

۱. **تعلیم:** تغییر در حوزه شناختی. که مجرد انتقال معلومات نیست، بلکه مربی و معلم باید تدبیری بیندیشند که شاگرد خودش به واقعیت دست یابد.

۲. **نسبت تعلیم و تربیت:** در این نسبت، باید هر سه اطلاق تربیت را در نظر بگیریم، چون نتایج و لوازمی متفاوتی دارد:

أ. تربیت در مقابل تعلیم: به این معنا انواع تربیت، جز تربیت اعدادی و مقدماتی، مبنای تعلیمی دارند و برای تحقق تربیت باید ابتدا به مرتبگی تعلیم داد و سپس او را تربیت نمود. **تربیت اعدادی** پس از تولد تا هنگام تمییز صورت می‌گیرد تا در زمان پیدایش مرتبگی، تربیت او آسان‌تر و سریع‌تر انجام شود. در این نوع تربیت، اعطای بینش نیست، مثل مقدمات ولادت فرزند صالح.

ب. تربیت به معنای تغییر در ساحات شخصیت (شناخت، عاطفه، رفتار): در این تعریف تعلیم مستقلاً مصداقی از تربیت به شمار می‌رود. یعنی با دادن بینش اراده برانگیز به مرتبگی، گرایش تغییر به مطلوب و در نهایت به تغییر عملی و عینی در شخصیت وا داشت. در واقع هر سه مرحله تربیت را اعطای بینش محقق می‌کنیم.

ج. تربیت به معنای تغییر در کل و برآیند شخصیت: تعلیم، ایجاد گرایش، تحریک عاطفی، ساماندهی رفتار مرتبگی، مقدمه تربیت محسوب می‌شود. البته تعلیم در این تعریف، ممکن است خودآگاهانه یا ناخودآگاه باشد.

۳. **تبلیغ:** بلوغ یعنی رسیدن و یا نزدیک شدن به نهایت (حد اعلا، حد نهایی شی) مکانی، زمانی یا امری از اموری که مفروض است. تبلیغ رساندن پیام به مخاطب است. این تعریف چند ویژگی دارد: متعلق تبلیغ، پیام است که جنبه روانشناختی، روانی و شخصیتی دارد و مخاطبش انسان است. رساندن پیام، فعل اختیاری است. قهراً در درون مفهوم تبلیغ رسیدن به هدف وجود دارد. هر فعلی که انتخاب می‌شود و انجام می‌گردد، هدفی دارد. اشکال: اگر رساندن شی به نهایت در معنای تبلیغ اخذ شود، این مفهوم نوعی تربیت است چون تغییر مخاطب را پی می‌گیرد.

پاسخ: در معنای تبلیغ رساندن پیام به حد کمال اخذ نشده و اگر باشد بار اضافی مبلغ است. هیچ دلیلی برای اخذ مفهوم رساندن کامل در مفهوم تبلیغ وجود ندارد. کمال تبلیغ، به علت تاثیر در مخاطب، نوع ابلاغ، نحوه بیان مبلغ است. در تبلیغ نوعی تثبیت و استمرار در رساندن پیام ملحوظ است. در بیان قرآن هر دو مفهوم مدنظر برداشت می شود.

۴. نسبت تبلیغ و تربیت:

- أ. تفاوت در برد و نفوذ پیام: تبلیغ صرفا رساندن است و نفوذ در شخصیت در آن مطرح نیست.
 - ب. تفاوت در ابزارها: در تبلیغ ابزارهای عمومی و برای تحریک عواطف مخاطب بکار می رود اما در فرایند تعلیم و تربیت ابزارهای تخصصی استفاده می شود و نه به آن منظور صرف.
 - ج. تفاوت در فضا: تربیت در محیط رسمی و تبلیغ در محیط غیررسمی!
 - د. تفاوت در پیوند بین مربی و متربی: تبلیغ لازم به پیوند خاص میان این دو نیست اما مفهوم تربیت قوامش به پیوند میان این دو می باشد.
 - ه. تفاوت در گستره مخاطب: تبلیغ گسترده تر و در میان همه رده های سنی ممکن. اما در تربیت این گونه است.
 ۵. تادیب: دقت ها و ظرافت های میهمان داری، هرگونه ظرافت در رفتار، هیئت نیکوی افعال، نفس فعل نیکو، هیئت نیکوی فاعل (اخلاق پسندیده)، اعم از تمام موارد به علاوه علوم و معارف شخص.
 ۶. نسبت تادیب و تربیت: معانی اصطلاحی (به معنای تربیت، ادب آموزی، مطلق تنبیه، تعزیر، حد و تعزیر). منظور در این بحث، معنای ادب آموزی است. معنای خاص: یعنی تادیب اگر شامل ایجاد هیئت مستحسن فعل و نفس شود، مصداق تربیت می شود. در این معنا تقیدی به تعبیر در کلیت شخصیت، نداریم بنابراین صرفا مصداق و قسمی از اقسام تربیت (تغییر در رفتار شخص) است نه روش و مقدمه. معنای عام: اما اگر تادیب را به معنای عام بگیریم، و هر نوع تغییر را در فرایند شخصیت بدانیم روشی تربیتی است.
 ۷. اخلاق: سرشت و سجیه معنوی و درونی.
- اصطلاحی: صفات نفسانی: هرگونه صفت نفسانی (پایدار یا ناپایدار) که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می شود. مثل بخیلی که سرشتش بخل ورزیه، حیانا بخشش کند.

صفات راسخ نفسانی: صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها بدون نیاز به تفکر از انسان می‌شوند.

فضایل اخلاقی: صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی

نهاد اخلاقی زندگی: در عرض مسائلی مثل هنر، علم و حقوق ...، که وجودش به شخص وابسته نیست، بلکه ابزار اجتماعی برای راهنمایی گروه‌های کوچکتر.

نظام رفتاری حاکم بر افراد: نظام رفتاری یک گروه. اخلاق مسیحی.

آثار عمل: آثار عملی و افعال ناشی از صفات درونی.

شخصیت و سببیت: برآیند صفات نیکو که در حال ترکیبی به صورت شخصیت آدم درآمده است.

علم و دانش: دانشی که از صفات و رفتارهای نیک و بد و چگونگی اکتساب و اجتناب آنها و اصلاح رفتارها در عرصه خودسازی بحث می‌کند.

۸. نسبت اخلاق و تربیت:

مبانی تربیت و اخلاق مشترکند.

موضوع هر دو انسان است.

اهداف نهایی هر دو قرب الهی است.

در روش‌ها عموم و خصوص من وجه هستند. تنبیه و موعظه مشترک اما روش‌های خاص هر دو نیز وجود دارند.

عرصه تربیت تمام عمر انسان اما اخلاق مربوط به افعال اختیاری است.

تربیت ابعاد گوناگونی چون بعد اخلاقی، اجتماعی، دینی و... دارد و اخلاق نیز همین طور ابعاد تربیتی، سیاسی، اقتصادی و...

تفاوت این دو در قید دیگرسازی و خودسازی است.

در تربیت فرایند تغییرات مطلوب در متربی است، ولی اخلاق علاوه بر فرایند تغییرات مطلوب در انسان، از گزاره‌های توصیفی و هنجاری سخن می‌گوید.

بیشترین ارتباط بین این دو در اخلاق تربیتی است. یعنی ایجاد تغییر در حوزه اخلاقیات و ملکات وجودی انسان دیگر، بدون توجه به دیگر عرصه‌های وجودی متربی.

ک. نظام‌سازی تربیتی

نظام‌سازی کاری است که مرحوم شهید صدر در فقه الاقتصاد انجام داد. او نظام‌سازی را چنین توصیف می‌کند: «جمع گزاره‌های مرتبط با یک موضوع و کشف قواعد حاکم بر آن، تا اینکه به صورت نظام واحد درآیند، برای مثال، گزاره‌های اقتصادی‌ای وجود دارد که اگر در آنها دقت شود، چنین به نظر می‌رسد که گزاره‌هایی متفرق اند، ولی اگر کنار هم چیده شوند، در آن صورت به قواعدی کلی و عام می‌انجامد. برای مثال، در اسلام آنچه موجب ارزش می‌شود فقط کار نیست.